

معرفی گزارش: چالش نابرابری در جهانی به سرعت در حال تغییر*

معصومه ایزدبین**

کد ارکید: x 0000-0003-3720-179

DOR: <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.24.5>

مقدمه

نابرابری در دنیایی به سرعت در حال تغییر، گزارش دپارتمان اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد در رابطه با وضعیت اجتماعی جهان در سال ۲۰۲۰ میلادی بوده است و شرایط نامطلوب کنونی، مرارت‌های اقتصادی، نابرابری‌های فزاینده و ناامنی‌های شغلی را در زمانه رشد بی‌سابقه اقتصادی و توسعه استانداردهای زندگی به تصویر می‌کشد. گزارش مذکور با بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که چگونه جنسیت، قومیت، نژاد، محل اقامت و وضعیت اقتصادی اجتماعی همچنان فرصت‌های زندگی نسل کنونی و آینده را شکل می‌دهد. این گزارش حاوی پیامی شفاف است. اگر حکومت‌ها این بازیگران کلیدی اهمیت همکاری‌های بین‌المللی را در دنیایی به شدت به هم پیوسته دریافته و پیشگام نبرد علیه نابرابری باشند؛ تغییرات سریع دنیای امروز ما الزاماً منجر به نابرابری‌های بیشتری درون و بین جوامع نخواهد شد.

پانزده سال پیش در گزارش وضعیت اجتماعی جهان در سال ۲۰۰۵ هشدار داده شد که نابرابری پیشرونده می‌تواند دستیابی به اهداف توسعه مورد توافق بین‌الملل را در معرض خطر قرار دهد. در این گزارش خاطر نشان شده بود که جهان در یک نقطه عطف قرار دارد. اگر بنا بر آن باشد که رؤیای آینده‌ای مشترک به وقوع بپیوندد، رهبران جهانی بایستی هر فرصتی را برای عملکردی قاطع در جهت کاهش نابرابری مغتنم شمرند (ملل متحد، ۲۰۰۵). از آن پس مسئله نابرابری در رأس گفتگوهای سیاسی و کاهش نابرابری بین و درون کشورها یکی از ده هدف توسعه پایدار قرار گرفت. رشد اقتصادی بی‌سابقه و پیشرفت‌های وسیعی که در چند دهه اخیر در گسترش رفاه، شاهد بوده‌ایم قادر به برطرف ساختن شکاف عمیق بین و درون کشورها نبوده‌اند. پیامدهای نیروهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی بسیار وسیع و متنوع بوده و

* . United Nation: Department of Economic and Social Affairs (2020) World Social Report 2020: The Challenge of Inequality in a Rapisty changing World

** . دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، دانشگاه خوارزمی

afsanehmo@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۴

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۶۶-۳۵۵

می‌توانند به ایجاد برابری منجر شده و یا برعکس بخصوص با نفوذ خود بر بازار کار، نابرابری بیشتری را بر درآمدها اعمال نمایند. در این گزارش تأثیر چهار ابر روند نوآوری‌های تکنولوژیک، تغییرات اقلیمی، شهرنشینی و مهاجرت بین‌الملل بر نابرابری مورد بررسی قرار گرفته است. پاسخ به این پرسش که آیا این ابر روندها، دنیای پایدارتر و برابرتری را برای ما فراهم ساخته و یا خود باعث تمایزات و نابرابری‌های بیشتر می‌شوند؛ تعیین کننده‌ی نمای آینده مشترک ما خواهد بود. هرچند این ابر روندها و سیاست‌ها به شیوه‌های متعدد در ارتباط با یکدیگر عمل می‌نمایند، اما این گزارش منحصراً بر مطالعه تأثیرات مستقیم هر یک بر نابرابری متمرکز است.

نابرابری: توصیف موقعیت کنونی

در دستور جلسه ۲۰۳۰ برای نخستین بار اهداف توسعه مورد توافق قرار گرفته بین‌الملل مبتنی بر کاهش نابرابری درآمدها در کانون توجه قرار گرفت. نابرابری درآمدها در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در برخی کشورهای با درآمد متوسط از جمله چین و هند نسبت به سال ۱۹۹۰ افزایش داشته است. کشورهایی که شاهد افزایش نابرابری بوده‌اند بیش از دوسوم یعنی هفتاد و یک درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند. با این وجود نابرابری رو به رشد یک روند جهانی نبوده و ضریب جینی نابرابری درآمد در اکثر کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب و برخی کشورهای آفریقایی و آسیایی در طی این دو دهه کاهش یافته است. اما علیرغم پیشرفت در برخی کشورها هنوز تمرکز درآمد و ثروت به شکل روزافزونی در بالای نردبان توزیع قرار دارد. مطابق داده‌ها سهم درآمد یک درصد ثروتمندترین‌های جمعیت جهانی در ۴۶ کشور از ۵۷ کشور از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است؛ اما افزایش درآمد در ۹۰ کشور از کشورهای ۴۰ درصد پایینی، کمتر از ۲۵ درصد بوده است. در همین دوره زمانی با وجود افزایش نابرابری اقتصادی درون کشورها، نابرابری اقتصادی بین کشورها به علت رشد اقتصادی قوی و سایر اقتصادهای نوظهور آسیایی کاهش یافته است. اما این برابری اقتصادی خیلی روند همسانی نداشته و هنوز تفاوت درآمدی کشورها بسیار قابل توجه است به گونه‌ای که برای مثال درآمد متوسط مردم آمریکای شمالی ۱۶ برابر مردم آفریقای شمالی است.

از دیگر موارد ذکر شده در دستور جلسه ۲۰۳۰ ایجاد فرصت‌های برابر و توجه بسیار به شرایط و ویژگی‌هایی همچون سن، جنس، معلولیت، نژاد، قومیت، مذهب، و اقتصاد است که بر

معرفی گزارش: «چالش نابرابری در جهانی به سرعت در حال تغییر»

دسترسی برابر به فرصت‌ها تأثیرگذارند. در تأمین نیازهای پایه، همچون بهبود بهداشت کودکان و تکمیل تحصیلات ابتدایی برای مثال، پیشرفت‌های عمده‌ای صورت گرفته و نابرابری‌های میان برخی گروه‌های جمعیتی تعدیل شده است. اما اگر روند این پیشرفت سریع‌تر صورت نگیرد، کودکان مناطق دوردست‌تر تا سال ۲۰۳۰ عقب می‌مانند. با نسبت پیشرفتی که از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ شاهد بوده‌ایم بیش از ۴ دهه زمان می‌برد تا بتوانیم شکاف حیرت‌آور برای مثال مربوط به قومیت را از بین ببریم. شواهد حاکی از آن است که شکاف‌های نیل به دستاوردهای بالاتر، مقاوم بوده و یا عمیق‌تر می‌شوند. برای مثال طبق داده‌ها نابرابری تحصیلات متوسطه برای گروه‌های قومی، پنجک ثروت و سطح تحصیلات سرپرست خانوار از سال ۱۹۹۰ در کشورهای در حال توسعه، افزایش یافته و شکاف‌ها در نتایج یادگیری نیز عمیق و مقاوم بوده‌اند. اینگونه نابرابری‌ها ریشه‌های تاریخی داشته و حتی پس از تغییر شرایط ایجاد کننده آنها، تداوم می‌یابند. برای مثال اقلیت‌های قومی حتی در کشورهایی که کوشش‌های ویژه برای افزایش ادغام آنها صورت می‌گیرد، همچنان محروم باقی می‌مانند. اعضای گروه‌هایی که در گذشته از تبعیض رنج می‌برده‌اند، نسبت به سایرین با دارایی‌های کمتر و سطوح پائین‌تری از سرمایه انسانی و اجتماعی کار خود را شروع می‌کنند.

با وجود نکوهش‌هایی که همواره معطوف تبعیض و پیش داوری بوده، آنها همواره موانعی فراگیر برای دستیابی به اهداف و فرصت‌های برابر تلقی می‌شوند. جوامع بسیار نابرابر در کاهش فقر، کمتر موفق بوده‌اند تا جوامعی که سطوح پائین‌تری از نابرابری داشته‌اند. چنین جوامعی حتی از رشد اقتصادی پایدار کمتری برخوردار بوده‌اند. ناهمسانی در بهداشت و تحصیلات شکست چرخه فقر را برای مردم چالش برانگیز کرده و در نتیجه باعث می‌شود محرومیت‌ها از نسلی به نسل بعد منتقل شود. با وجود این، کنترل نابرابری ناممکن نبوده و نسبت نابرابری حتی در میان کشورهای همسان توسعه یافته نیز متفاوت بوده و نهادها و سیاست‌گذاری‌های ملی از اهمیت فراوانی در این زمینه برخوردارند.

انقلابات تکنولوژیک برنده‌ها و بازنده‌ها

در بحبوحه پیشرفت‌های اغلب ناگهانی و غیر منتظره بیولوژیک، ژنتیک، رباتیک و هوش مصنوعی و سایر پیشرفت‌های دیجیتال، اقتصادها و جوامع دستخوش پیامدهای غیر قابل پیش-

بینی می‌شوند. مسیر کنونی تغییرات تکنولوژیک چالش‌های سیاسی حاد و جدیدی در پیش روی فتح قلمروهای هنوز ناشناخته گشوده و مقابله با آن تا حد زیادی بستگی به ایفای نقش حکومت‌ها و نهادهای بین‌المللی در توزیع مزایا و فرصت‌های تکنولوژی‌های جدید دارد. در دنیای کار همواره تأکید بر پتانسیل تکنولوژی بر از بین بردن برخی مشاغل بوده و اغلب این حقیقت، نادیده گرفته می‌شود که آنها با خود مشاغل و مهارت‌های جدید به ارمغان آورده و مشاغل جدید را جایگزین مشاغل از دست رفته می‌سازند. این سؤال که آیا اتوماسیون مهارت‌ها، الزاماً منجر به از بین رفتن مشاغل می‌شوند پرسشی نهادی نیز محسوب می‌شود. رسوم و مقررات در سوددهی، بازطراحی مهارت‌ها و بالا بردن توانایی‌های کارگران در تقبل مسئولیت‌های جدید تأثیرگذارند. تاکنون کارگران با مهارت‌های بسیار بالا بیشترین سود و کارگران با مهارت‌های پائین و متوسط و یا مهارت‌های معمول یدی و شناختی بیشترین زیان را از تکنولوژی‌های جدید متحمل شده‌اند. بیشترین مزایای حاصل از تکنولوژی‌های جدید به انحصار تعداد اندکی از کمپانی‌های مسلط در آمده و تداوم این روند منجر به دوقطبی‌گرایی حتی بیش از این در بازار کار و تشدید نابرابری درآمدها خواهد شد. با وجود این، شواهد مؤید آن نیستند که پیشرفت‌های تکنولوژیک اخیر منجر به افزایش بیکاری و یا از بین رفتن مشاغل شده و بالعکس، نوآوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی فرصت‌هایی در حوزه تحصیلات، بهداشت و بانکداری گشوده‌اند که منجر به برابری بیشتر شده است. متأسفانه تکنولوژی‌های جدید بر خلاف اهداف توسعه پایدار باعث ایجاد شکل جدیدی از نابرابری یعنی شکاف دیجیتال شده‌اند. هرچند سرعت دسترسی به تکنولوژی‌های پایه؛ همچون، تلفن‌های موبایل در سراسر دنیا به سرعت افزایش داشته اما شکاف دسترسی به اینترنت و کامپیوتر همچنان باقی مانده و بالا بودن پتانسیل بهره برداری از آنها برای جوانان، شکاف میان سالمندان و جوانان را عمیق‌تر ساخته است. علاوه بر این اگر دولت‌ها و شرکت‌های پیشگام، اقداماتی در جهت کاهش موانع ورود و گسترش تکنولوژی‌های جدید صورت ندهند کشورهای فقیرتر و گروه‌های محروم‌تر کشورهای در حال توسعه از بسیاری مزایای تکنولوژی محروم می‌مانند. موضع گیری‌های نادرست تکنولوژی؛ برای مثال، وقتی فقط در خدمت کسب تحصیلات عالی و یا آموزش کودکان خانوارهای ثروتمند مورد استفاده قرار گیرد، باعث افزایش شکاف تحصیلات می‌شوند.

معرفی گزارش: «چالش نابرابری در جهانی به سرعت در حال تغییر»

به اختصار، همچون بسیاری روندهای تغییرات ساختاری سریع، نوآوری‌های تکنولوژیک نیز می‌توانند آسیب‌زا باشند اما نهادهای حمایتی و سیاست‌های کنشگرانه می‌توانند در توزیع نوآوری‌های تکنولوژیک مفید واقع شوند. در ادامه به سه مداخلهٔ سیاسی مهم در این راستا اشاره می‌شود: ۱- سرمایه‌گذاری برای ارتقای مهارت‌های کارگران در محیط‌های کار؛ ۲- دسترسی به حمایت‌های اجتماعی در سراسر جهان به منظور پشتیبانی از افراد در دوره‌های گذار کار و زندگی و ۳- حمایت از کاهش شکاف‌های تکنولوژیک درون و میان کشورها.

در این گزارش میزان دسترسی به اینترنت در سال ۲۰۱۰ در کشورهای توسعه‌یافته تقریباً ۴۷٪ در کشورهای در حال توسعه ۹٪ و در کشورهای کمتر توسعه یافته تقریباً ۲٪ و در سال ۲۰۱۹ این اعداد به ترتیب ۸۴٪، ۴۴٪ و ۲۰٪ بوده است. طبق سازمان فناوری و اطلاعات در سال ۲۰۱۱؛ ۱۵٪ و در سال ۲۰۱۹؛ ۷۰٪ ایرانیان به اینترنت دسترسی داشته‌اند. عدم دسترسی به الکتریستیه نیز در سال ۲۰۱۸ در کشورهای جنوب صحرای آفریقا ۵۹۰ میلیون، در هندوستان ۸۰ میلیون، در آسیای جنوب شرقی ۵۰ میلیون و در سایر کشورهای در حال توسعه آسیایی ۱۰۰ میلیون بوده است. اما در ایران طبق آمار داخلی اعلام شده دسترسی برق شهری ۱۰۰٪ و در مناطق روستایی با بیش از ده خانوار ۹۹٫۷٪ می‌باشد.

تغییرات اقلیمی: تشدید فقر و نابرابری

تغییرات اقلیمی فرسایش‌های محیطی را سرعت بخشیده است و تناوب و شدت حوادث آب و هوایی نامعتدل را افزایش داده و انحطاط تدریجی ناشی از آنها نظیر تندبادها و سیلاب‌ها جمعیت آسیب‌پذیر را به شکل نامتناسبی متأثر می‌سازد. پیامدهای تغییرات اقلیمی اعم از اینکه زیر ساختارها، معیشت، منابع و بهداشت را نشانه گرفته است و یا حتی باعث ویرانی منازل می‌شوند در همهٔ کشورها و گروه‌های جمعیتی مختلف به یکسان تجربه نمی‌شوند. گرمایش جهانی بر رشد اقتصادی مناطق استوایی که فقیرتر از کشورهای مناطق معتدل‌تر هستند تأثیر نامطلوب داشته و نسبت درآمد دهک ثروتمندترین و فقیرترین جمعیت جهان متأثر از گرمایش جهانی ۲۵ درصد افزایش می‌یابد. درون کشورها نیز زندگی و معیشت فقرا و سایر گروه‌های محروم نظیر افراد بومی و خرده مالکان که اکثراً در مناطق روستایی سکنی داشته و به کشاورزی، ماهیگیری و سایر درآمدهای مبتنی بر اکوسیستم وابسته هستند به

سرعت در حال تغییر است. فقرا بیشتر به بیماری‌های عفونی و تنفسی حساس به تغییرات محیطی مبتلا می‌شوند و از آنجا که از منابع کمتری برخوردارند بیش از کسانی که در همان مناطق جغرافیایی سکنی دارند نسبت به تأثیرات ناگهانی و تهاجمی تغییرات اقلیمی آسیب پذیرند. تغییرات اقلیمی به دلیل شوک‌های قیمتی منتج از تغییرات پیش‌بینی نشده محصولات کشاورزی، بلایای طبیعی و محیطی منجر به ضعف در سلامت شده و شیوع و دامنه فقر و در نتیجه نابرابری‌ها را افزایش می‌دهد. ارزیابی‌ها مؤید آن هستند که در خوش بینانه‌ترین حالت که استراتژی‌های اتخاذ شده در به حداقل رساندن خسارات توفیق یابند؛ بین ۳ تا ۱۶ میلیون و در غیر این صورت بین ۳۵ تا ۱۲۲ میلیون نفر تا سال ۲۰۳۰ به دام فقر خواهند افتاد.

اختلالات ناشی از تغییرات اقلیمی با تأثیر بر فرصت‌های اشتغال نسل آینده موجب نابرابری بین نسلی خواهند شد. کنش‌های اقلیمی و گذار به اقتصادهای سبز فرصت‌هایی برای تقلیل فقر و نابرابری فراهم می‌سازند. استراتژی‌های به دقت طراحی شده اقتصادهای سبز مانع از بین رفتن مشاغل کم مهارت‌ها در بخش‌های شدیداً کربن‌زا شده و منجر به ایجاد مشاغل جدیدی در سراسر جهان و بهره‌وری کل شبکه می‌شود. ادغام کنش‌های اقلیمی با سیاست‌های اجتماعی و کارگری و اقتصادهای کلان در جهت ایجاد مشاغل و توسعه مهارت‌ها و حمایت از آسیب پذیرترین‌ها همگام با سیاست‌های کاهش فقر و نابرابری می‌تواند در تقلیل تأثیرات منفی تغییرات اقلیمی مؤثر بوده و وسایل و امکانات معیشتی خانوارهای کم درآمد را در محیطی پایدار فراهم سازد.

در این گزارش درجه آسیب‌پذیری نسبت به تغییرات اقلیمی در کشورهای با درآمد بالا ۰/۳۶ و درجه سهولت بهبود ۰/۵۹، اعداد متناظر برای کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا از جمله ایران به ترتیب ۰/۴۱ و ۰/۴۰، برای کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین ۰/۵۰ و ۰/۳۳ و برای کشورهای کم درآمد ۰/۵۷ و ۰/۲۵ ارزیابی شده است. ترکیب دو شاخص آسیب‌پذیری و بهبود از خسارات برای کشورهای با درآمد بالا ۶۲، برای کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا از جمله ایران ۴۹، برای کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین ۴۱ و برای کشورهای کم درآمد ۳۴ ارزیابی شده است. همچنین خسارات اقتصادی ناشی از فجایع اقلیمی نظیر سیلاب، رانش زمین، طوفان و دمای شدید و خشکسالی و حریق در بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷ در کشورهای با درآمد بالا ۱,۴۳۲ بلیون دلار در کشورهای با درآمد متوسط تا بالا از جمله ایران

۵۶۷ در کشورهای با درآمد متوسط رو به پائین ۱۹۴ و در کشورهای با درآمد پائین ۲۱ بلیون دلار بوده است. میزان خسارت به GDP در همین دوره زمانی در کشورهای با درآمد بالا ۴۱٪ در کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا از جمله ایران ۶۰٪ و در کشورهای با درآمد متوسط رو به پائین ۱۴٪ و در کشورهای با درآمد پائین ۱،۷۷ بوده است.

شهرنشینی: گشایش فرصت ها اما شکاف های عمیق تر

جغرافیایی که در آن مردم متولد شده و زندگی می کنند اثری پایدار بر فرصت های حیات آنها دارد. دسترسی به آب آشامیدنی سالم، مراقبت های بهداشتی، مدارس خوب، کار مناسب و ... یک بعد شفاف فضایی دارد. نابرابری های منطقه ای از جمله شکاف های میان مناطق روستایی و شهری اغلب عمیق تر از نابرابری های بین کشورها است. تقسیمات روستایی شهری در بسیاری کشورها اندک و در سایر کشورها ژرف و عمیق هستند. تغییر شکل جمعیتی ناشی از رشد شهرنشینی در کلیه جوانب توسعه پایدار از جمله نابرابری پیامدهایی دارد. در بسیاری نواحی شهری شاهد سطوح بالای ثروت و زیرساخت های مدرنی هستیم که اغلب در مجاورت توده های بسیار محروم قرار گرفته اند. تقسیمات شهری دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فضایی هستند. از نظر اقتصادی، ضریب جینی درآمد شهرها در بسیاری کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در شهرها بیش از روستاها است اما از نظر اجتماعی، سرعت روند شهرنشینی گاه به بدتر شدن شرایط بهداشتی به خصوص سلامت مادر و کودک در زاغه ها و سایر محلات فقیر نشین شهری می انجامد. بازارهای غیر رسمی مسکن و زمین و همچنین ضعف برنامه ریزی های شهری می توانند باعث تمرکز محرومیت در مناطق خاص و تداوم چرخه معیوب حاشیه نشینی و طرد شوند. حضور زاغه ها واضح ترین نشانه های طرد در شهرهای تفکیک شده هستند. در سال ۲۰۱۶ یک از هر چهار نفر، یعنی بیش از یک میلیارد نفر در زاغه ها سکنی داشته اند.

هرچند تفکیک فضایی و طرد مبتنی بر متغیرهایی نظیر درآمد و نژاد در بسیاری نواحی شهری مشترک هستند اما شهرها تاریخ و الگوی منحصر به فردی داشته و نابرابری در فرایند رشد و توسعه برخی از آنها افزایش و در برخی کاهش یافته است. برنامه ریزی و مدیریت خلاقانه شهرها به منظور کاهش نابرابری و دستیابی به سایر اهداف توسعه از اهمیت زیادی برخوردارند. سرعت کنونی شهرنشینی و عدم توجه دولت ها به ناهماهنگی های ایجاد شده ناشی از آن به

خصوص در کشورهای فقیر، توجه به مؤلفه‌های زیر را برای کاهش نابرابری و ارتقای همه جانبه شهری ضروری می‌سازد:

تأمین حقوق مسکن و زمین با تمرکز بر رفع نیازهای مردمی که در فقر به سر می‌برند و ارائه خدمات عمومی یکسان، بهبود ارتباطات فضایی و ارتقای وسایل نقلیه عمومی به منظور تسهیل دسترسی برابر به فرصت‌ها و امکانات موجود شهری، افزایش امکان دستیابی به شغل مناسب و استخدام رسمی، تقویت ظرفیت‌های اجرایی و سیاسی دولت‌های محلی برای رفع سریع چالش‌هایی که هر روز بالاخص در رابطه با تغییرات اقلیمی پیچیده‌تر می‌شوند.

طبق این گزارش نرخ شهرنشینی در سال ۲۰۱۵ در جهان ۵۴٪ بوده که در سال ۲۰۵۰ این عدد به ۶۸٪ می‌رسد. اعداد متناظر در آفریقا ۴۱٪ و ۵۹٪ در آسیا ۴۷٪ و ۶۶٪ و در کشورهای توسعه یافته ۷۸٪ و ۸۷٪ می‌باشد. تعداد شهرنشینی که در سال ۲۰۱۰ در زاغه‌ها سکنی داشته‌اند در کشورهای جنوب صحرای آفریقا تقریباً ۶۲٪ در آفریقای جنوبی ۱۷٪ در آسیای شرقی ۲۹٪ در آسیای جنوبی ۳۸٪ و در جنوب شرقی آسیا (از جمله ایران) تقریباً ۳۳٪ می‌باشد.

در این گزارش افرادی که در سال ۲۰۱۸ در فقر چند بعدی زندگی می‌کنند در نواحی روستایی کشورهای جنوب صحرای آفریقا ۷۱٪ و نواحی شهری آنها ۳۱٪ و اعداد متناظر در کشورهای آفریقای جنوبی و غرب آسیا ۱۷٪ و ۶٪ در کشورهای اروپایی و آمریکایی ۲٪ در کشورهای شرقی و جنوب شرقی آسیا (از جمله ایران) ۲۵٪ و ۶٪ بوده است.

مهاجرت بین الملل: نیروی برابر ساز تحت شرایط صحیح

مهاجرت بین‌الملل از منظر دستمزدها و یا سبک زندگی، نشانگر روشنی از نابرابری‌های جهانی است. هر ساله میلیون‌ها انسان در جستجوی فرصت‌های شغلی بهتر، آموزش، ازدواج، پیوستن مجدد به اعضای خانواده و یا فرار از منازعات و بلایای طبیعی، کشورها و قاره‌ها را پشت سر می‌گذارند. دلیل مهاجرت صرفاً نابرابری یا عدم کامیابی در توسعه نیست. مهاجرت بیشتر در کشورهایی صورت می‌گیرد که رشد اقتصادی و توسعه خود را آغاز نموده‌اند. صنعتی شدن و شهرنشینی دیر زمانی محرک جابجایی گسترده مردم عمدتاً از مناطق روستایی به

معرفی گزارش: «چالش نابرابری در جهانی به سرعت در حال تغییر»

شهری و همچنین بین کشورها بوده است. با افزایش توسعه کشورها، توان اقتصادی و آموزشی افراد و میزان دسترسی آنها به ایده‌ها و اطلاعات ارتقا یافته و نرخ مهاجرت بالاتر می‌رود.

مهاجرت بین‌الملل عموماً فواید بسیاری برای مهاجران و کشورهای مبدأ و مقصد دارد اما این مزایا از توزیع یکسانی درون یا بین کشورها برخوردار نیستند. کشورهای مبدأ از طریق دریافت حواله و سایر انواع انتقالات پولی جمعیت مهاجر خارج از کشور منتفع می‌شوند. این گردش مالی در کاهش سطح یا شدت فقر در این کشورها و حتی نابرابری میان کشورها مؤثر است. در واقع، بیش از ۷۵ درصد حواله رسماً گزارش شده در سال ۲۰۱۸، توسط کشورهای با درآمد پایین و متوسط دریافت شده‌اند (بانک جهانی ۲۰۱۹a). یافته‌های پیامد حواله‌های درون کشورها کمتر شفاف هستند. مهاجران با مهارت‌های بالاتر و ثروتمندتر حواله‌های پولی کمتر اما با مبالغ بیشتری از مهاجران کم مهارت‌تر ارسال می‌کنند. هزینه‌های بالای تبادل ارسال پول بر خانواده‌های با درآمد پائین تأثیر نامطلوب داشته است. کشورهایی که مهاجرت کارگران کم مهارت را محدود می‌سازند، جریان حواله‌ها و پتانسیل تأثیرات تعدیل‌گر آن را تقلیل می‌دهند.

مناقشات زیادی در مورد پیامد مهاجرت بر بازارهای کار کشورهای مقصد در جریان است. عده‌ای نگرانی خود را از تأثیر منفی مهاجرت بر دستمزدها، به دلیل رقابت مستقیم مهاجران با کارگران بومی ابراز کرده‌اند. اما، کارگران مهاجر کم درآمدتر اغلب مشاغل هم‌چون کشاورزی، معدن، ساخت و سازهای ساختمانی و کارهای درون منزل را به عهده می‌گیرند که شهروندان تمایلی به انجام آنها ندارند. در کشورهایی که مهاجران وارد رقابت با بومی‌های کم مهارت‌تر می‌شوند، ممکن است مهاجرت بر دستمزدهای از پیش پائین، فشار مضاعف وارد ساخته و موجب تشدید نابرابری شود. از سوی دیگر، در جایی که مهاجران مهارت‌های بیشتر مورد تقاضایی را ارائه می‌دهند که غیر مهاجران تمایلی به انجام آنها ندارند، می‌توانند در عملکرد هموار بازار کار، نقش داشته و حتی تأثیری مثبت بر وضعیت اشتغال بگذارند.

مهاجرت کارگران با مهارت بالا از کشورهای در حال توسعه می‌تواند نگران کننده باشد؛ زیرا منجر به کمبود نیروی کار حرفه‌های کلیدی نظیر معلمان، پزشکان و پرستاران می‌شود که به نوبه خود باعث تعلل در رشد اقتصادی کشور مبدأ و فراهم سازی کارگران با مهارت برای کشورهای ثروتمند می‌شود. اما مهاجرت آنها می‌تواند تبعات مثبتی نیز داشته باشد. مهاجران

خارج از کشور و کسانی که به وطن بازمی‌گردند جریان اطلاعات و سرمایه گذاری‌های مستقیم خارجی و تجارت را امکان‌پذیر می‌سازند. برای مثال آن دسته از مهاجران کشورهای چین، هندوستان و جمهوری کره که در خارج کشور باقی مانده و یا بازمی‌گردند، نیروهای پیشگامی در رشد صنعت نرم افزار و سایر صنایع ساخت و ساز با تکنولوژی بالا تلقی می‌شوند. کشور مبدأ تعیین کننده این امر است که مهاجرت کارگران با مهارت تر برای کشور زیان بار بوده و یا با جریان دانش و سرمایه مفید فایده واقع شود.

در هر حال می‌توان با اطمینان اذعان کرد که کشورهای مقصد حتی بیش از کشورهای مبدأ از جریان مهارت‌ها منتفع می‌شوند. اما مهاجرت کارگران با مهارت بالا می‌تواند باعث افزایش نابرابری در سطح بین‌الملل شود اگر کشورهای با درآمد بالا بخصوص در کشورهای مقصد از این امر بیش از کشورهای کم درآمد سود ببرند. علیرغم تأکیدی که در صورت جلسه ۲۰۳۰ بر نقش مهاجرت در کاهش نابرابری شده اما تحقق آن تضمین شده نبوده و بستگی به شرایط و موقعیت‌هایی دارد که مهاجرت تحت آن صورت می‌گیرد. اکثر کشورهای مقصد در مناطق توسعه یافته، پذیرش مهاجران با بالاترین مهارت‌ها را تسهیل نموده و موانع بسیاری بر سر راه ورود قانونی مهاجران کم مهارت با تحصیلات پائین تر فراهم می‌سازند. ایجاد مسیرهای قانونی برای کارگران با تحصیلات اندک می‌تواند برای هم کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای توسعه یافته منافی داشته باشد. تأسیس مکانیسم‌هایی برای به رسمیت شناختن اعتبار گواهینامه‌های آموزشی کسب شده در خارج کشور، می‌تواند به افزایش مشارکت مهاجران کمک نماید. دولت‌های کشورهای مقصد ممکن است حتی در تأمین مالی آموزش در کشورهای مبدأ مشارکت داشته و بدین وسیله علاوه بر تضمین موفقیت مهاجران در کشورهای میزبان، مانع کمبود نیروهای کار با مهارت‌های لازم در کشورهای مبدأ نیز بشوند.

هزینه‌های بالای انتقال پول مانع کسب منفعت کامل افراد فقیر از فواید مهاجرت می‌شود. به منظور نیل به اهداف دستور جلسه ۲۰۳۰ و همچنین کاهش هزینه‌های مبادلات انتقال پول به کمتر از ۳ درصد مبلغ فرستاده شده و کاهش نواره انتقال پول با هزینه‌های بالاتر از ۵ درصد تا سال ۲۰۳۰، می‌تواند به کارگران و خانواده‌هایشان در حفظ میزان بیشتری از درآمدها کمک کند.

معرفی گزارش: «چالش نابرابری در جهانی به سرعت در حال تغییر»

در این گزارش پایین ترین میزان مهاجرت در سال ۲۰۱۹ برای کشورهای با درآمد پائین و بالاترین میزان مهاجرت در کشورهایی با درآمد متوسط از جمله ایران ذکر شده است. مطابق داده‌های سالنامه مهاجرتی ایران در یک نگاه، سهم ایران از کل جمعیت مهاجر جهان ۰/۷ و بالغ بر ۱,۹ میلیون ایرانی در سال ۲۰۱۹ بوده است. بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۷ میل به مهاجرت در بین ایرانیان ۳۰٪ بوده است. مهاجرت به خصوص بر اثر تحولات اقتصادی در میان دانشجویان و فارغ التحصیلات دانشگاهی رشد چشمگیری داشته است.

ارتقای برابری و عدالت اجتماعی در یک دنیای در حال تغییر قانون گذاری از دریچه برابری

ابروندهایی که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفتند در پی تقلیل نابرابری و دستیابی به کلیه اهداف دستور جلسه ۲۰۳۰ می‌باشند اما سیاست‌های آنها هنوز به وضوح مشخص نیستند. جلوگیری از تغییرات تکنولوژیک، شهرنشینی و یا مهاجرت نه امکان پذیر است و نه مطلوب اما می‌توان تأثیرات آنها را سامان بخشیده و در ایجاد جوامع برابرتر و پایدارتر مورد بهره برداری قرار داد. تغییرات اقلیمی در کوتاه مدت قابل بهبود نیستند و از هم اکنون، تغییرات چشمگیر و احتمالاً غیر قابل ترمیمی به جا گذاشته‌اند. داده‌های این گزارش نشان می‌دهند که مدیریت صحیح ابروندهای ذکر شده می‌تواند در توزیع یکسان مزایای ناشی از آنها نقش داشته و مانع از تحمیل نامتناسب تأثیرات منفی بر افرادی شد که فاقد منابع لازم برای مقابله یا بهبود هستند. برای نیل به برابری بایستی از ظرفیت‌های تکنولوژی‌های جدید برای کاهش فقر و ایجاد مشاغل بهره برد. هنگام تغییرات اقلیمی بایستی سیاست‌های انعطاف‌پذیری به نفع فقرا ارائه شده و به منظور کمک به مناطق روستایی، نگاه جامع‌تری به شهرنشینی از نظر تقسیمات اجتماعی، اقتصادی و فضایی درون شهرها اتخاذ نمود. بدین منظور باید امکان مهاجرت‌های مطمئن، منظم و با قاعده‌ای فراهم نموده و پیامدهای مثبت آنها را ارتقا بخشید.

همچنین اعمال نگرشی برابری طلبانه به معنای آن است که تلاش‌های بیشتر و متمرکزتری برای امحای ریشه‌های نابرابری کنونی صورت گرفته و حکومت‌ها سیاست‌هایی را برای تقلیل اثرات مضر روندهای مطرح شده، مد نظر قرار دهند اما اکنون در حالیکه تغییرات تکنولوژیک موجب دو قطبی سازی نیروی کار و افزایش نابرابری دستمزدها می‌شوند، مقررات زدایی از

بازارهای مالی و کاری، و کاهش مالیات‌های بر درآمد و حمایت‌های اجتماعی کاهش یافته، موجب تشدید این جریانات در برخی کشورها می‌شوند. از این رو در این گزارش به منظور کاهش نابرابری در همه ابعاد آن سه قسمت مهم یک راهبرد سیاست‌گذاری منسجم و مکمل ذکر شده است: ارتقای دسترسی برابر به فرصت‌ها، ایجاد یک محیط سیاست اقتصاد کلان ملزم به تقلیل نابرابری؛ مقابله با پیش‌داوری و تبعیض و افزایش مشارکت گروه‌های غیر خودی در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

تقلیل نابرابری در دنیایی به هم پیوسته

دولت‌ها و سایر نهادهای ملی بازیگران کلیدی در جهت ایجاد جوامع برابرتر هستند. اما شکاف‌های وسیع رفاهی و فرصت‌های درون و بین کشورها یک مسئله ملی و جهانی بوده و نیازمند راه‌حل‌های چند جانبه و یکپارچه است. کنش یا عدم کنش یک دولت در مورد تغییرات اقلیمی یا مهاجرت بین‌الملل، هزینه‌ها و فوایدی برای سایر کشورها دارد. عدم توازن میان کشورهایی که بیش از همه گازهای گلخانه‌ای تولید می‌کنند و کشورهایی که از پیامدهای اقلیمی ناشی از آنها متحمل بیشترین ضررها می‌شوند، یک بی‌عدالتی مشهود است. هیچ یک از این مسائل نمی‌توانند یک جانبه مورد رسیدگی قرار گیرند. برای اصلاح چالش‌هایی که بر نابرابری درون و میان کشورها مؤثرند از جمله فرار مالیاتی، جریان مالی برون مرزی، جنایات بین‌الملل، تجارت بین ملل و حقوق مالکیت معنوی، کنشی هماهنگ، متناسب و چند جانبه مورد نیاز است. کاملاً روشن است که کاهش نابرابری نه تنها بافت‌های اجتماعی، بلکه ابعاد محیطی و اقتصادی توسعه پایدار را نیز تقویت می‌نماید. اما این آگاهی هنوز منجر به تغییرات هنجاری لازم نشده و در عوض نابرابری و بینش‌های مبتنی بر ظرفیت‌های بازار در ایجاد عدالت اجتماعی، قراردادهای اجتماعی را در بسیاری کشورها مورد تهدید قرار می‌دهند. سال ۲۰۳۰ نیازمند به تجدید نظر در الویت‌هایی سیاسی است که منجر به تداوم نابرابری و همچنین ناامنی شوند.